

دوگانه مرز و امنیت

مطالعه نقش بازارچه‌های مرزی در احساس امنیت اقتصادی - اجتماعی روستائیان مرزنشین

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2024.58222.1750 شناسه دیجیتال

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

رشید احمدی فر^{۱*}

سیروان عبده‌زاده^۲

چکیده

این مقاله در صدد بیان اهمیت و ضرورت همگامی «توسعه و امنیت» می‌باشد. به عبارت دیگر، به تاسی از ادبیات نظری موجود در حوزه توسعه و نیز امنیت، گزاره اصلی ما این است که تحقق توسعه در جامعه، مستلزم وجود شرایط زمینه‌ای لازم از جمله؛ وجود و تامین «امنیت» در معنای عام و خاص کلمه است. در این مقاله، به بررسی نقش بازارچه‌های مرزی بر احساس امنیت روستائیان مرزنشین شهرستان بانه پرداخته شده است. احساس امنیت در دو بعد اجتماعی - اقتصادی سنجیده شده است. روش مورد استفاده در این تحقیق، کیفی بوده و با استفاده از مصاحبه به روش موردی نوعی و فوکوس گروپ بوده است. نمونه‌های مورد مطالعه از میان افراد ساکن در روستاهای منطقه مرزی مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. همچنین مصاحبه‌هایی با مسئولین انتظامی و کارمندان گمرک شهرستان بانه انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که مبادلات مرزی و تجارت مرزی نقش پراهمیتی در بهبود وضعیت زندگی ساکنان منطقه مرزی داشته است و توانسته باعث بهبود زندگی مردم چه به لحاظ اقتصادی و چه اجتماعی در منطقه گردد. با ایجاد بازارچه‌ها بنا به گفته مردم و مسئولین، از تعداد قاچاقچیان و افرادی که امنیت مردم را تا حدودی به خطر می‌اندازند، کاسته شده است. از نظر سرمایه‌گذاری و گرایش به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری با افراد آن‌سوی مرز، شاهد روند رو به افزایشی بوده‌ایم اما سرمایه‌گذاری تولیدی در منطقه صورت نگرفته است که این خود یکی از نقاط ضعف ایجاد بازارچه‌ها می‌باشد. احساس امنیت مالی نسبت به دوره قبل از تأسیس بازارچه، روند رو به افزایشی داشته است و همچنین در کاهش ناآرامی‌های منطقه و کاهش جرایم داخل روستاها و مناطق مرزی تاثیر مثبتی گذاشته است. اما احساس امنیت در تردهای مرزی و کولبری کاهش یافته است که لازم است سیاست‌های انتظامی تاحدودی به نفع کولبران و کاسبان خرده پا بازنگری گردد. در اهداف اولیه شکل‌گیری مبادلات مرزی، توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی سالم، سرآمد این تصمیمات بوده اما تأثیربخشی بازارچه‌ها بر سایر مناطق از جمله نقاط شهری بیشتر از مناطق روستایی مرزی بوده است. در هر حال، نتایج پژوهش حاکی از آن است که علی‌رغم ضروری بودن تأسیس این بازارچه‌ها و آثار اقتصادی، امنیتی و رفاهی آن، به دلیل برخی از مشکلات از رسالت اولیه خود دور شده‌اند.

واژگان کلیدی: بازارچه‌های مرزی، احساس امنیت اقتصادی - اجتماعی، روستاهای مرزی

۱. دانشیار جامعه‌شناسی و عضو گروه آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان کردستان، تهران، ایران، (نویسنده مسئول) r.ahmadifar@cfu.ac.ir
۲. دکترای جامعه‌شناسی و دبیر آموزش و پرورش سنندج، سنندج، ایران. sabdezhade@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

امنیت^۱ و احساس امنیت مقدمه‌ای لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است و دولت‌ها، هزینه، زمان و امکانات بسیاری برای تأمین آن صرف می‌کنند. مقوله‌ی امنیت به مثابه‌ی یک آرمان و واقعیت به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت، ره‌آورد مجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزای مختلف نظام اجتماعی است. در واقع معیار مهم یک حیات اجتماعی سالم، وجود میزان قابل قبولی از امنیت در آن برای کلیه شهروندان می‌باشد که در پرتو آن می‌توانند به فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزمره‌شان بپردازند.

نوشته حاضر در صدد بیان اهمیت و ضرورت همگامی «توسعه و امنیت» می‌باشد. به عبارت دیگر، به تاسی از ادبیات نظری موجود در حوزه توسعه و نیز امنیت، گزاره اصلی ما این است که تحقق توسعه در جامعه، مستلزم وجود شرایط زمینه‌ای لازم از جمله؛ وجود و تأمین «امنیت» در معنای عام و خاص کلمه است.

نقش مرزها و به تبع آن نقش شهرها و مناطق مرزی در مقایسه با دهه‌های گذشته تغییر زیادی کرده است (استریچک ویکس^۲، ۲۰۰۸: ۴۶). مرزها از قدیم بیان کننده حق حاکمیت سیاسی و نظارت بر منابع موجود در کشورها بوده و به عنوان حصار در مقابل تجاوزها و عاملی در جهت دفاع و امنیت ملی محسوب شده است (موسوی، ۱۳۸۸: ۷). در بسیاری موارد مرزنشینان درعمل، همراه با جنبه‌های منفی ارزیابی شده‌اند و معمولاً جنبه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و یا منابع و برخورداری‌های اقتصادی و یا حتی میراث مشترک تاریخی آن‌ها با ساکنان درون مرزها و قسمت‌های داخلی نادیده گرفته شده است (گل‌وردی، ۱۳۹۰: ۱۵). بودن در هر فضایی تجارب خاصی را به وجود می‌آورد. فضا عاملی قوی در تعیین سرنوشت افراد، نوع و آینده شغلی آن‌ها، فرصت‌های ازدواج، کیفیت آموزشی و مواردی از این قبیل است. یک مرز سازمان‌یافته می‌تواند چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای افراد ساکن در آن فراهم سازد که این چالش‌ها و فرصت‌ها یا ذاتی مناطق مرزی هستند و یا اینکه در نتیجه شیوه سیاست‌گذاری‌های اعمال شده در این مناطق به‌وجود آمده‌اند (ذکایی و نوری، ۱۳۹۴: ۱۲۱). عدم توجه به نواحی پیرامونی به ویژه مناطق مرزی در طول تاریخ در روند توسعه این نواحی اختلال ایجاد کرده است و باعث کمبودهای بالقوه ازجمله؛ فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه در این نواحی استراتژیک شده و زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون؛ قاچاق کالا، مهاجرت، شورش و ناامنی فراهم کرده است (ذکی پاشالو، ۱۳۹۳: ۲).

همان‌طور که مازلو^۳ اشاره کرده، اصولاً انسان برای رسیدن به یک درجه موفقیت در زندگی و رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی که اساس موجودیتش را

1. Security

2. Stryjakiewics

3. Maslow (1908-19700)

تشکیل می‌دهد، نیاز به امنیت و احساس ناشی از آن دارد. به عبارتی، حفظ وجود حیات سالم و آرام‌بخش انسان موکول به تأمین همه نیازهای مادی و معنوی است که در صورت عدم تأمین یا وجود و تنگنا در تأمین آن، حیات سالم و وجود انسان به چالش کشیده می‌شود و با تهدید روبرو می‌گردد. براین اساس، بلافاصله نیاز به امنیت و مفهوم آن در ذهن انسان شکل می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

مفهوم احساس امنیت یکی از شاخصه‌های کیفیت زندگی می‌باشد و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای مختلف فقدان امنیت به شمار می‌روند (عظیمی، ۱۳۸۱: ۲۲).

مبادلات منطقه‌ای همواره یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای رشد، توسعه و رفاه اجتماعی مناطق بوده است. این‌گونه مبادلات به ویژه در نواحی مرزی، هم در جهت توسعه محلی و هم برای توسعه تجارت و همکاری‌های منطقه‌ای مفید بوده است. تجربیات کشورهای در حال توسعه در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که توسعه مبادلات مرزی در قالب‌های مقررات و قوانین می‌تواند محرک خوبی برای افزایش مبادلات کالا به صورت رسمی و جهت‌دهی تجارت به سمت مزیت‌های نسبی، گسترش همکاری‌های همه جانبه بین مناطق آزاد، توسعه بازارچه‌های بین مرزی، ایجاد سودهای تجاری و اشتغال و امنیت برای مرزنشینان گردد (محمودی، ۱۳۹۴: ۱۰۷ و ۱۰۸).

ضعف بنیان‌های تاریخی، دور افتادگی و در حاشیه قرار گرفتن نقاط مرزی، پراکندگی جمعیت و شرایط اقلیمی نامناسب، از جمله عواملی هستند که روی آوردن ساکنین نقاط مرزی به بازارهای کشورهای همسایه را در طول تاریخ تشدید نموده‌اند. به دلیل تاکید بسیاری از اقتصاددانان بر توجه به تجارت بین‌الملل به عنوان یکی از محرک‌های اصلی رشد و توسعه اقتصادی و نتایج حاصل از آن، توجه به جنبه‌های اقتصادی مبادلات مرزی اهمیت بیشتری به خود گرفت و بسیاری از نقاط مرزی که تا آن موقع عمدتاً نقاط امنیتی تلقی می‌شدند، از امتیازات دیگری برخوردار شدند که یکی از آنها، ساماندهی مبادلات و معاملات رایج در این نقاط بود. خالی شدن مرزها از سکنه و مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ در اثر فقدان انگیزه‌های لازم برای زندگی در این مناطق در گذشته تقریباً روندی رو به افزایش داشته است که تأثیر آن در امنیت مرزها قابل لمس بود (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹: ۱). در سال‌های اخیر، دولت به منظور جلوگیری از مهاجرت و بهبود رفاه و بهزیستی مردم مناطق مرزنشین، اقدام به تأسیس بازارچه‌های مرزی نمود تا از این‌رو بر بحران بیکاری، فقر و برقراری عدالت اجتماعی غلبه شود.

اشتغال و تأمین معیشت ساکنان مناطق مرزی، کنترل قاچاق کالا، افزایش امنیت مرزها و شکوفایی اقتصاد محلی، افزایش رونق مناطق شهری و روستایی محدوده‌های مرزی، از مهم‌ترین اهداف راه‌اندازی بازارچه‌های مرزی است. اقتصاد نواحی مرزی شاخص اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز امرار معاش مردم مرزنشین است و از این طریق مردم ساکن در

نواحی مرزی کشورهای همسایه می‌توانند در کنار هم و با هم از فرصت‌ها و منابع مشترک استفاده کنند و این امر می‌تواند منجر به دوستی و تفاهم طرفین، امنیت و رونق اقتصادی، توسعه و ایجاد فرصت‌های شغلی شود.

در این پژوهش، به بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی سیران‌بند، گله‌سوره و هنگه‌ژال شهرستان بانه بر احساس امنیت مردم روستاهای اطراف بازارچه و شاغلین در آن پرداخته می‌شود که احساس امنیت در دو بعد اقتصادی و اجتماعی بررسی شده است. توسعه‌یافتگی اقتصادی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق می‌تواند سبب کاهش برخی از مشکلات مرزی از قبیل قاچاق کالا، مواد مخدر و سرقت شود و از تخلیه جمعیتی مناطق مرزی جلوگیری کند.

دو سؤال اصلی این پژوهش، عبارت است از: ایجاد بازارچه‌های مرزی و گسترش مبادلات مرزی در منطقه تا چه حد بر احساس امنیت اقتصادی- اجتماعی مرزنشینان تأثیرگذار بوده است؟ و اهداف تأسیس این بازارچه‌ها تا چه حد تحقق یافته است؟

ادبیات تجربی تحقیق

لی بائوپه^۱ و همکارانش (۲۰۰۴) به بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی تجارت مرزی و تأثیر آن در افزایش استانداردهای سطح زندگی مردم، در سه ایالت کشور لائوس پرداخته‌اند. این تحقیق در چند قسمت تهیه شده است که در قسمت اول به چهارچوب‌های سیاسی تجارت و اقتصاد در نواحی مرزی، در قسمت دوم به کالای تولید شده در منطقه مورد مطالعه و چگونگی صادر شدن آن و سپس به تحلیل اثرات تجارت مرزی بر روی استانداردهای سطح زندگی مردم این نواحی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تجارت مرزی در افزایش تنوع و کیفیت کالا، ایجاد اشتغال و به طور کلی افزایش استانداردهای زندگی این ایالت‌های سه‌گانه مؤثر بوده است.

مورشید^۲ و همکارانش (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان اقتصاد مرزی کامبوج، به بررسی مبادلات مرزی کامبوج، لائوس، ویتنام و تایلند پرداخته‌اند. در این تحقیق ۴ جنبه در ارتباط با اقتصاد مرزی در کامبوج مورد توجه قرار گرفته است. این چهار جنبه عبارتند از: تمام رژیم‌های حقوقی و سیاست‌های آزادسازی تجارت کامبوج، موضوعات سیاسی یا استراتژی‌های توسعه، جریان توافقنامه‌های تجارت نواحی مرزی، اثرات فقر اقتصادهای نواحی مرزی بر سطوح محلی. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ریسک سرمایه‌گذاری علی‌رغم افزایش رقابت‌های بازاری و نیز هزینه‌های رسمی و غیررسمی ترخیص کالا مخصوصاً برای تجارت‌های کوچک افزایش یافته است.

افتخاری و همکاران (۱۳۸۷)، بررسی‌ای با عنوان ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه در مناطق مرزی استان کرمانشاه انجام داده‌اند. در این تحقیق به تحلیل اثرات

1. Lee buapao

2. Murshid & Tuot sokphally

اقتصادی بازارچه‌های مرزی در توسعه مناطق مرزی (نواحی روستایی) پرداخته شده، بر این اساس، بازارچه مرزی شیخ صالح در استان کرمانشاه را به عنوان نمونه انتخاب کرده‌اند و به تحلیل داده‌ها و اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار spss، ARC و GIS، و با روش توصیفی و تحلیلی، اثرات اقتصادی این بازارچه را در دو مقطع قبل از تأسیس بازارچه و بعد از آن بر مناطق مرزی اطراف بازارچه مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج بدست آمده در این تحقیق حاکی از آن است که بازارچه‌های مرزی توانسته است اثرات اقتصادی مثبتی بر روی مناطق پیرامون خود بر جای گذارد.

نبوی و همکاران (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی در شهرستان اهواز انجام داده‌اند، این پژوهش با هدف بررسی جامعه شناختی احساس امنیت اجتماعی و شناسایی پاره‌ای از عوامل اجتماعی و سیاسی موثر بر احساس امنیت اجتماعی انجام گرفته است. احساس امنیت اجتماعی در این پژوهش در سه بعد احساس امنیت جانی، مالی و سیاسی مطالعه شده است. قادری حاجت و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه خود با عنوان تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون، سعی کرده‌اند با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و میدانی به بررسی نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون خود به ویژه در استان خراسان جنوبی بپردازند. فرض اصلی این مقاله این است که: بازارچه‌ها پتانسیل بالایی در افزایش امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون خود را دارند. یافته‌های تحقیق، بیانگر آن است که بازارچه‌های مورد نظر تا حدود زیادی توانسته‌اند در توسعه نواحی پیرامون خود، تأثیر مثبت بگذارند که این امر بستر لازم را برای افزایش امنیت در ابعاد مختلف فراهم آورده است. اما بازارچه‌ها در بعضی از شاخصه‌ها مانند بهبود وضعیت تحصیلی و ارتقاء سطح علمی کارکنان، دارای کارکرد منفی بوده است که نکته‌ای قابل تأمل بوده و ما را متوجه این نکته می‌سازد که توسعه مقوله‌ای فراتر از پیشرفت می‌باشد.

چهارچوب نظری تحقیق هم برگرفته از آرای سه تن از صاحب نظران مکتب کپنهاگ (باری بوزان، ال ویور و بایرن مولار) بوده است. این تحقیق به صورت پیمایشی انجام گرفته و جمعیت آماری آن، ساکنان ۱۶ سال به بالاتر شهرستان اهواز بوده و حجم نمونه آن ۶۰۰ نفر بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان داده که از مجموع عوامل مطرح شده، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و هویت ملی تأثیر افزایشنده و دو متغیر احساس محرومیت نسبی و بی‌قدرتی، اثر کاهنده‌ای بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند.

در جمع‌بندی مطالعات انجام شده می‌توان گفت که عموماً به روش کمی و پرسشنامه‌ای بر اهمیت نقش اقتصادی بازارچه‌های مناطق مرزی تأکید شده است. نکته قابل توجه مقاله حاضر

تاکید بر جنبه کمتر پژوهش شده یعنی تأثیر ایجاد بازارچه‌ها بر احساس امنیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان آن منطقه است.

چهارچوب مفهومی - نظری تحقیق

امنیت و احساس امنیت اقتصادی - اجتماعی

امنیت از جمله مفاهیم مطرح در علوم انسانی است که همانند بسیاری مفاهیم دیگر (جامعه، فرهنگ، ارزش و ...) پیچیدگی و گنگ بودن، خصیصه ذاتی و ماهوی آن است. معماگونه‌ی امنیت و فرو رفتن در هاله‌ای از رمز و رازهای تئوریک و ایدئولوژیک و روزمرگی تا جایی است که بوزان^۱ از نظریه‌پردازان برجسته در این باره بیان کرده «هر کوششی برای درک مفهوم امنیت بدون آگاهی کافی از تناقض‌ها و نارسایی‌های موجود در خود این مفهوم ساده‌اندیشانه است» (بوزان، به نقل از تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۷).

انسان برای فرار از ناامنی و دستیابی به احساس امنیت، جامعه را تشکیل داد اما دریافت که این بار امنیتش نه تنها از سوی طبیعت و عوامل طبیعی، بلکه از سوی انسان‌ها و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی نیز تهدید می‌شود. از این‌رو، دغدغه همیشگی او جهت دستیابی به احساس امنیت در مقوله‌ای جدید تحت عنوان احساس امنیت اجتماعی ظهور کرد (نبوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴).

امنیت یک مفهوم چند وجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف زیادی وجود دارد. تعاریف مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۷: ۴۴). بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» امنیت را از لحاظ لغوی، عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲).

باید بین امنیت و احساس امنیت قائل به تفاوت باشیم به طوری که ممکن است در جامعه‌ای امنیت از نظر انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد ولی فرد احساس امنیت نکند. امنیت، بعد عینی مسئله و احساس امنیت به عنوان بعد ذهنی تلقی می‌شود. احساس عدم امنیت به دلایل مختلف متعدد پدید می‌آید. یکی از دلایل مهم احساس ناامنی، ممکن است به خاطر موقعیت و وضعیت خاص حاکم بر یک جامعه باشد و فرد به خاطر پاره‌ای از عوامل مخل امنیت در جامعه احساس ناامنی بکند، هر چه میزان فراوانی جرم بالاتر باشد، احساس امنیت در آن جامعه پایین‌تر است (گروسی و میرزایی، ۱۳۸۶: ۳۶).

احساس امنیت موضوعی است که در بهداشت روانی به آن پرداخته می‌شود. ارتباط امنیت با بهداشت روانی بدین صورت است که وجود امنیت موجب آرامش و آسودگی است. شخص با وجود امنیت، احساس راحتی کرده و برای هدف‌های قابل پیش‌بینی زندگی خود برنامه‌ریزی می‌کند درحالی‌که شخص در حالت ناامنی، قدرت برنامه‌ریزی را ندارد و همه توان او صرف مبارزه با پیامدهای ناامنی می‌شود (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۵۵ و ۵۶). در چنین وضعیتی، حالات ناخوشایندی مثل ترس، تشویش، تنش و اضطراب، فرد را احاطه می‌کند. استمرار این وضعیت و ناتوانی انسان در برابر این فشار روانی، سبب بروز اختلال جسمانی و روانی می‌شود که در روان‌شناسی از آن به بیماری روان‌تنی یاد می‌شود (شاگری‌نیا، بی‌تا: ۳۵۲).

با نگاهی به کشورهای مختلف جهان، متوجه این واقعیت می‌شویم که عموم این کشورها به مقوله امنیت اهمیت زیادی می‌دهند؛ چرا که این امر پیش‌نیاز هرگونه توسعه در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی بوده و تمامی کشورها در جهت رسیدن به این آرمان فعالیت می‌کنند. در رابطه با نقش امنیت در توسعه اقتصادی هر جامعه می‌توان گفت که اهمیتی کلیدی دارد. برای مثال می‌توان گفت بدون وجود امنیت در زمینه اقتصاد، هیچ سرمایه‌گذاری جدیدی اعم از داخلی و خارجی در کشور صورت نخواهد گرفت یا انجام این سرمایه‌گذاری‌ها اندک خواهد بود و جامعه دستخوش نابسامانی‌های اقتصادی مانند گسترش اقتصاد دلالی، فرار سرمایه‌ها، کاهش اشتغال، افزایش بیکاری و انواع معضلات اقتصادی خواهد شد. بر عکس با وجود امنیت اقتصادی در یک جامعه، شاهد جذب سرمایه‌ها، رونق اقتصادی، افزایش اشتغال، کاهش بیکاری و افزایش تولید خواهیم بود (دلاور و رضایی، ۱۳۸۳).

امنیت اجتماعی

از نظر اصطلاح‌شناسی، واژه‌های «community security»، «social security» و «societal security» به امنیتی که برخاسته از جامعه و یا برای جامعه باشد، ترجمه شده و مبنایی برای تفسیرها و تلقی‌های گوناگون از امنیت شده‌اند (کلاه‌چیان، ۱۳۸۲: ۱۳۵). واژه «social security» متداول‌ترین واژه‌ای است که به اشتباه از آن به امنیت اجتماعی یاد می‌شود؛ در حالی‌که معنای این واژه، تأمین اجتماعی است و به منظور تبیین خطراتی چون بیکاری، فقر، گرسنگی و غیره که مسبب آن زندگی جمعی است، مطرح شده و سازمان‌های وابسته به بیمه‌های اجتماعی درصدد از میان بردن دلایل به وجود آمدن این تهدیدها و آسیب‌ها هستند (همان: ۱۳۶). امنیت اجتماعی به معنی حفظ جان، آبرو و موقعیت‌های اجتماعی اشخاص از جانب عوامل اجتماعی می‌باشد. یعنی از جانب افراد دیگر، سایر گروه‌ها و حکومت و قانون جان، مال و آبرو و موقعیت اشخاص مورد تهدید قرار نگیرد. به این ترتیب امنیت اجتماعی عبارت است از حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیر قانونی دولت یا دستگاهی، یا فردی، یا

گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید می‌آورد (همان، ۱۴۲). علاوه بر این، در اندیشه‌ی اسلامی، رعایت تقوا و معیارهای الهی و سپس انسانی، اصلی‌ترین شرط تحقق امنیت اجتماعی و رعایت حقوق انسان‌ها و مقابله با متعديان به حقوق عمومی و امنیت جمعی به شمار می‌رود. امنیت اجتماعی که در ذیل امنیت ملی قرار دارد، بیانگر پیوند و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ میان امنیت، دولت و جامعه است.

امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به مفهوم وجود فضایی مناسب برای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد، فضایی که در آن مالکیت‌ها شکل می‌گیرد اما بدون حمایت قانون از این مالکیت‌ها این مفاهیم چه تعریف‌هایی دارد؟

امروزه امنیت اقتصادی مهم‌ترین شاخص توسعه یافتگی است. بحران‌های سیاسی، جنگ‌های داخلی و بی‌توجهی صاحبان قدرت به منافع جامعه، عواملی است که از هر لحاظ ضریب شکنندگی امنیت را برای سرمایه‌ها و نیروی انسانی کارآمد افزون‌تر می‌سازد. اصولاً نظام‌های اقتصادی در هر کشور تنها در سایه امنیت اقتصادی تحقق می‌یابد. کشورهای در حال توسعه جوامعی هستند که اولین و مهم‌ترین گام برای آن‌ها دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام مطلوب برای ارتقای تولید و کارایی منابع دست یافته و آن‌گاه به رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات که هدف نهایی هر نظام اقتصادی توسعه یافته است برسند. تولید کالایی امنیت، همواره مهم‌ترین فلسفه وجودی دولت‌ها را تشکیل می‌داده است. در جوامع اولیه که تهاجم خارجی، بی‌نظمی‌ها و شورش‌های داخلی و فقدان ضمانت برای اجرای توافق نامه‌ها و قراردادهای میان افراد، جان و مال و آبروی افراد را دستخوش خطر می‌کرد. دولت‌ها به وجود آمدند تا با ایجاد امنیت افراد را در برابر این خطر محافظت کنند.

طبق نظر بوزان، امنیت اقتصادی در سطح فردی به میزان دسترسی انسان به ضروریات زیستی (غذا، آب و پناه) مربوط است. در سطوح بالاتر، ایده امنیت اقتصادی با دامنه وسیعی از بحث‌های بسیار سیاسی درباره اشتغال، توزیع درآمد و رفاه مرتبط است (بوزان، ۱۳۷۹: ۲۲۶). در بخش اجتماعی، طبق تعریفی که از آن به میان آمد موجودیت مورد نظم در بحث امنیت، واحدهای جمعی بزرگی مانند ملت‌ها و مذاهب هستند که می‌توانند مستقل از دولت نقش‌آفرینی کنند.

مفهوم مرز و بازارچه مرزی

مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوتی پیدا می‌کند. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی مانند مرزهای عقیدتی، همچنین می‌تواند باز، بسته و یا قوی باشد (عزتی، ۱۳۶۸ به

نقل از عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸). مفهوم اصلی مرز در مقابل واژه Border به معنی مرز سیاسی و رسمی است. واژه Boundary معنی حدود و محدوده را می‌رساند. واژه Frontier به معنای جبهه و مرز مقابله و مواجهه نشانگر شرایط ستیز و جنگ در مرزهای کشورهاست (پارکر^۱، ۲۰۰۱).

بازارچه مرزی، محوطه‌ای است محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرک‌ها که مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا یا مکان‌هایی که طبق تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای هم‌جوار تعیین می‌شود.

کارکرد بازارچه‌های مرزی

بازارچه‌ی مرزی بخشی از بازرگانی خارجی کشور می‌باشد که برای مبادلات مرزی مردم منطقه مرزنشین در نظر گرفته شده است. با در نظر گرفتن قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات کشور، برای فعالیت تجاری این گروه تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. بنابراین تأسیس بازارچه‌های مرزی و توسعه مبادلات از طریق این واحدها عمدتاً به استناد ماده ۱۱ قانون و مقررات صادرات و واردات با اهداف زیر صورت می‌گیرد:

از جمله اهداف بازارچه‌های مرزی، امکان برقراری ارتباط سالم و مستمر تجاری با کشورهای همسایه، ایجاد رونق اقتصادی، بالا بردن ضریب امنیتی مرزهای کشور، شکوفایی استعداد محلی، ایجاد و گسترش مشاغل مولد می‌باشد و همچنین تثبیت جمعیت در جدار مرزهای بین‌المللی به منظور کاهش اثرات امنیتی منفی ناشی از تخلیه جمعیت نواحی مرزی از سکنه دائمی. عملی شدن این شاخص‌ها ضمن جلوگیری از مهاجرت ساکنان مناطق مرزی و افزایش رفاه مرزها و توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای همسایه، جلوی رشد قاچاق را هم می‌گیرد (آیین‌نامه بازارچه‌های مرزی، ۱۳۷۱).

اهداف اصلی بازارچه‌های مرزی عبارتند از:

الف) مسئله امنیت: بازارچه‌های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته‌اند مسئله امنیت مرزها را تا حدودی برآورده نمایند و این مسئله روی شرایط اقتصادی محل تأثیر به سزایی داشته است. یکی از دلایل ایجاد بازارچه‌های مرزی، افزایش ضریب امنیت و اطمینان در این مناطق از طریق توسعه تجارت می‌باشد. با توجه به این که در برخی از مناطق مرزی کشور به دلیل شرایط خاص جغرافیایی امکان فعالیت تولیدی محدود می‌باشد. یکی از انگیزه‌های اقامت مردم در این نواحی، گسترش فعالیت‌های تجاری است. در واقع با ایجاد این گونه بازارچه‌ها ضمن آن که انگیزه لازم برای اقامت اهالی بومی در این نواحی فراهم می‌شود، از طرف دیگر با حضور مردم، ضریب امنیت افزایش می‌یابد (دفتر مطالعات اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۱: ۲۲).

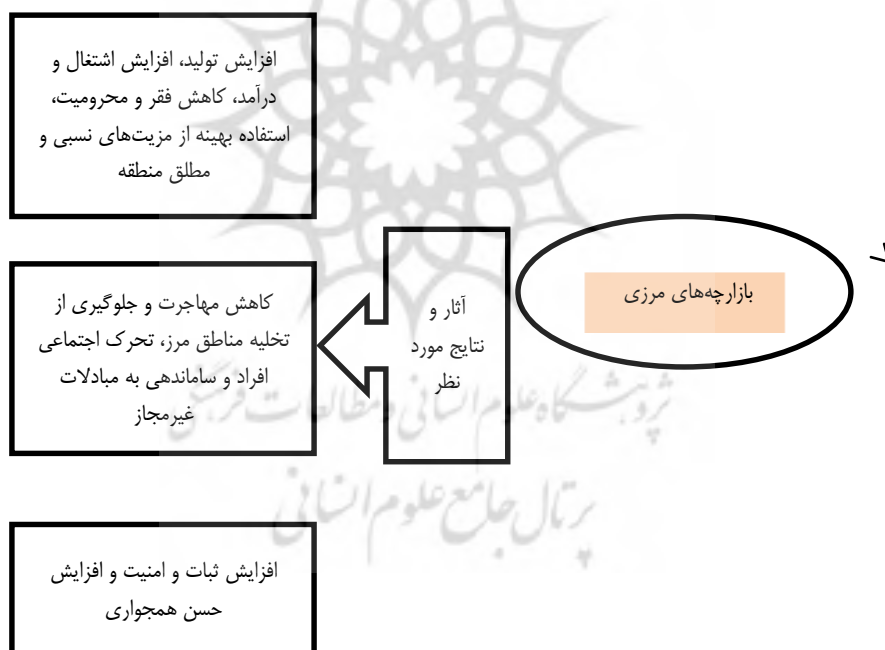
(ب) مسئله اجتماعی: افراد ساکن در مناطق مرزی به دلایل گوناگون تمایل به رفت و آمد با افراد ساکن در آن سوی مرز را دارند و بازارچه‌ها توانسته‌اند این مهم را به راحتی پوشش دهند.

(ج) مسئله سیاسی: استان‌های مرزی همیشه خواستار روابط سیاسی بر اساس منافع مشترک با کشور همسایه بوده‌اند و بازارچه مرزی با انجام مذاکرات و ملاقات‌های متعدد این مسئله را تأمین نموده است.

(د) ایجاد اشتغال: ایجاد بازارچه‌های مرزی به راحتی توانسته باعث اشتغال مستقیم و غیرمستقیم مرزنشینان شود و این خود باعث سرمایه‌گذاری بیشتر در منطقه شده است.

(ه) مسئله مهاجرت: بازارچه با به وجود آمدن شغل و ایجاد درآمد برای مرزنشینان مسئله مهاجرت به شهرهای بزرگ را نیز تا حدودی از بین برده است (قادری‌حاجت و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳).

نمودار شماره ۱: کارکردهای بازارچه‌های مرزی



منبع: پیربوداکی، ۱۳۸۹

در این تحقیق، احساس امنیت در دو بعد بررسی شده است. هر یک از حوزه‌های مورد بررسی جنبه مثبت و منفی دارند که جنبه مثبت، امنیت را حفظ و سویه منفی، آن را تهدید می‌کند. شرح هر یک از آن‌ها به قرار زیر است:

≠ حوزه اجتماعی

حوزه اجتماعی امنیت به قلمروهایی از حریم فرد مربوط می‌شود که در ارتباط با دیگر افراد جامعه می‌باشد. در این قلمروهاست که امنیت فرد حفظ یا مورد تهدید قرار می‌گیرد. ناآرامی‌های منطقه، جرایم اجتماعی (سرقت، بزهکاری، بی‌عفتی)، عدم یا برخورداری از امکانات و آموزش و تحصیلات قلمروهای بیان شده حوزه اجتماعی‌اند که بر امنیت افراد تأثیر می‌گذارند.

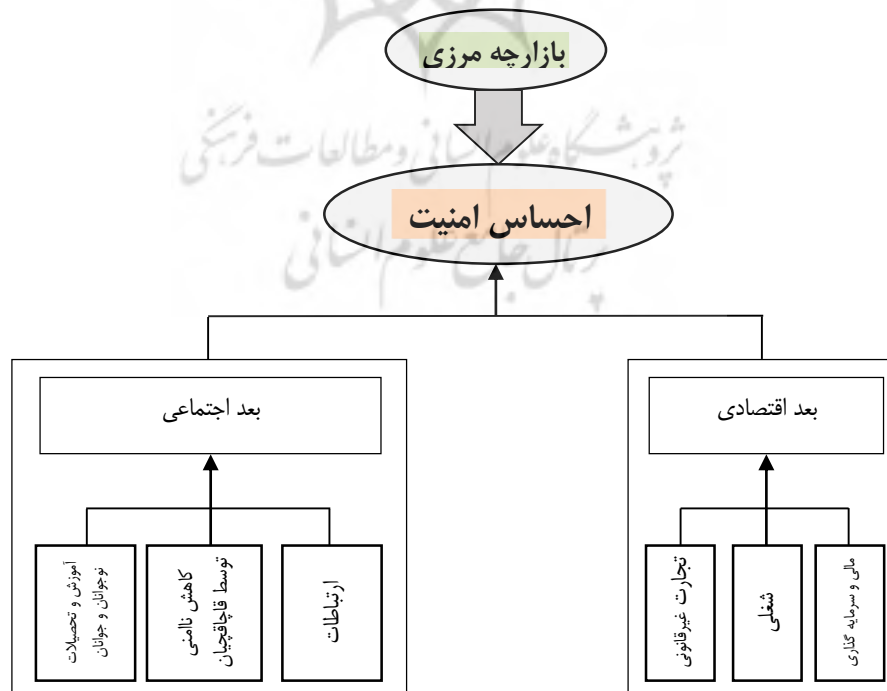
≠ حوزه اقتصادی

منظور از حوزه اقتصادی عواملی است که زندگی مادی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخورداری از چنین عواملی موجب می‌شود که فرد احساس امنیت و آرامش کند و نداشتن آن‌ها فرد را با فقر و نداری روبرو می‌سازد. امنیت مالی، شغلی و سرمایه‌گذاری از عوامل مؤثر بر امنیت در حوزه اقتصادی‌اند.

مدل مفهومی تحقیق

با استفاده از مبانی نظری به عنوان راهنما و هدایت‌گر تحقیق نه به عنوان چارچوب اصلی و سایر شرایط از قبیل ماهیت موضوع و حساسیت میدان تحقیق، نگارنده خود را مؤلف دانسته تا یک مدل مفهومی که حاصل موارد فوق‌الذکر باشد، ارائه دهد.

نمودار شماره ۲: مدل مفهومی تحقیق



روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع کیفی می‌باشد. تحقیق کیفی عموماً به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده باشد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸؛ کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸ به نقل از محمدپور «الف»، ۱۳۹۰: ۹۳). در پژوهش حاضر از روش مردم‌نگاری انتقادی^۱ به عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی استفاده شده است. مردم‌نگاری به عنوان روشی کیفی دارای رویکردها و رویه‌های متعددی است. در این میان مردم‌نگاری انتقادی به اعتقاد داگلاس^۲ (۱۹۹۴) سه رویکرد مشخص دارد: رویکرد غیرفعال، رویکرد صداها و رویکرد فعال‌گرایانه.

بنابه ماهیت موضوع و میدان مورد مطالعه که عمدتاً کولبران، بازاریان و فرودستان شهری و روستایی که عمدتاً صدای آنها یا شنیده نشده و یا به جای آنها حرف زده شده است. نویسندگان مقاله حاضر خود دارای تجارب زیسته ارزشمندی در حوزه موضوع مورد مطالعه مطالعه می‌باشند، آگاهانه تصمیم گرفتند تا از رویکرد دوم یعنی: مردم‌نگاری با رویکرد موضع صداها^۳ استفاده نمایند تا هم از سوگیری‌های معمول در مطالعه فرودستان: تفسیر موقعیت و ذهنیت فرودستی و به جای فرودست / فقیر / مطرود صحبت کردن و در نتیجه خاموش نمودن صدای راستین آنها، خودداری شود. از این رو، در این رویکرد موسوم به صداها، افراد مورد مطالعه و تجربیات آنها اصالت دارد. تاکید بر شنیدن موضع صداها و تجربیات افرادی است که به دلیل گفتمان حاکم و موقعیت خاصشان نادیده گرفته شده‌اند. شنیدن صدای کسانی که در موضع انقیاد و شکست قرار دارند و ایجاد عرصه‌ای برای بیان دیدگاه‌هایشان، بالقوه منبعی برای مقاومت در مقابل حاشیه‌ای-شدن، انزوا و سکوت است (گرگی و گودرزی، ۱۳۹۸).

با توجه به ماهیت موضوع و جامعه مورد مطالعه، داده‌های پژوهش حاضر از طریق مشاهده، مصاحبه و تعامل در جهت ورود و فهم تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان از پیامدهای مختلف ایجاد بازارچه‌ها، جمع‌آوری شده است.

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه ساکنین روستاهای اطراف بازارچه‌های مرزی سیران بند، هنگه‌ژال و گله سوره یعنی چه افرادی که به صورت مستقیم مشغول به کار در بازارچه هستند و چه افرادی که به صورت غیرمستقیم مشغول‌اند اعم از دارندگان کارت بازرگانی، کارگران، پيله‌وران، رانندگان، کارمندان و... می‌باشد.

1. critical ethnography
2. Douglas, Foley
3. Voices Stance

تحقیق کیفی با هدف دستیابی به فهمی از ماهیت و شکل پدیده‌ی مورد مطالعه جهت بازگشایی معنا، توسعه توصیف‌های ضخیم، تولید ایده‌ها، مفاهیم و نظریه‌های مبتنی بر داده‌ها انجام می‌گیرد. از این رو لازم است تا نمونه‌ها گزینش شوند و تا حد ممکن محدوده‌های جمعیت تعریف شده متنوع باشند (محمدپور «ب»، ۱۳۹۰: ۳۴). در این تحقیق، از نمونه‌گیری موردی نوعی که یکی از شیوه‌های نمونه‌گیری در تحقیق کیفی می‌باشد، استفاده شده است. این نوع نمونه‌گیری عبارت است از انتخاب آن دسته از مواردی که نوعی‌ترین، نرمال‌ترین یا نمایاترین گروه از موارد تحت بررسی هستند. این نمونه‌گیری مستلزم دانش پیشین در مورد الگوهای عمومی پاسخ‌هاست، به گونه‌ای که آنچه نوعی است شناخته شود (بلیکی، ۱۳۹۰: ۲۵۷) به عنوان مثال در تحقیق حاضر گروه هدف ما افراد روستایی ساکن در نقاط مرزی شهرستان بانه می‌باشد.

در تحقیقات کیفی و در نمونه‌گیری هدفمند محقق با این سؤال مواجه می‌شود که اندازه و حجم نمونه چقدر می‌باشد؟ در پاسخ به این سؤال، پاتون (۲۰۰۲) پاسخ می‌دهد: «بستگی دارد» و تأکید می‌کند که هیچ قاعده‌ای برای تعیین حجم نمونه در تحقیق کیفی وجود ندارد و اندازه نمونه بستگی به آنچه محقق می‌خواهد بداند، به هدف بررسی، به آنچه سودمند خواهد بود، آنچه که باورپذیر خواهد بود و آنچه را که می‌توان با زمان و منابع انجام داد، دارد (محمدپور «ب»، ۱۳۹۰: ۴۷). در جدول زیر حجم نمونه به تفکیک روستاهای مرزی مورد بررسی آمده است.

جدول شماره ۱: حجم نمونه تحقیق

مناطق مرزی	نام روستاها	بخش	تعداد جمعیت	تعداد افراد مصاحبه شونده
روستاهای مرزی	کیله عباس‌آباد	ننور	۸۱۹ نفر	۱۰ نفر
	ننور	ننور	۵۴۸ نفر	۱۱ نفر
	بوالحسن	نم‌شیر	۱۲۱۳	۸ نفر
	کانی‌سور	نم‌شیر	۱۱۴۱	۶ نفر
جمع کل	---	--	۳۷۲۱	۳۵ نفر

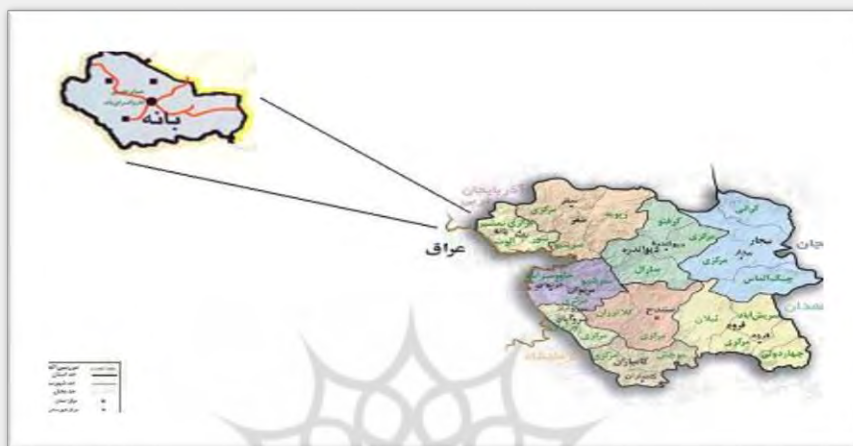
منبع: سایت مرکز آمار

معرفی منطقه مورد مطالعه

شهرستان بانه به مرکزیت شهر بانه یکی از شهرستان‌های نه‌گانه استان کردستان می‌باشد. شهرستان بانه در منطقه‌ای کوهستانی و جنگلی در غرب استان کردستان واقع شده است. این شهرستان از شمال به ارتفاعات گورگ و از شرق به خور خوره و از غرب به جلگه منطقه شلیر و

قزله و از جنوب به ارتفاعات بین دره شلیر و بانه محدود می‌شود. موقعیت جغرافیایی آن در نقشه زیر نشان داده شده است.

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان بانه در استان کردستان



منبع: سایت فرمانداری شهرستان بانه

بر اساس آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت بانه در نقاط شهری ۹۰۳۰۴ نفر و در مناطق غیر شهری ۴۲۲۶۱ نفر و مساحت آن ۵۵۵۰ کیلومتر مربع می‌باشد. در طول نوار مرزی شهر بانه با عراق دو دسته روستاها وجود دارد. روستاهایی که در ارتباط مستقیم با بازارچه‌ها قرار دارند و روستاهایی که دور از بازارچه می‌باشند و بیشتر آن‌ها را باغداران و کشاورزان تشکیل می‌دهند که معیشت آن‌ها در حد پائینی قرار دارد.

موقعیت جغرافیایی این منطقه از جنبه‌های گوناگونی در چگونگی و روند شکل‌گیری تجارت مرزی نقش داشته و از علل و بسترهای ظهور این پدیده در منطقه بوده است. یکی از این جنبه‌ها، از یک طرف مسافت و فاصله زمانی- مکانی این منطقه مرزی با مرکز کشور و از طرف دیگر مسافت و فاصله این منطقه با نقاط مسکونی و مبادلاتی کشور عراق است. بعد فاصله زیاد مرکز از مرزها به مثابه عاملی بوده است که به طور غیرمستقیم از طریق عدم امکان نظارت‌های سخت و سخت از جانب قدرت مرکزی بر مسئولین ناظر بر ورود و خروج کالا و ارتباطات مرزی در منطقه، به نوعی باعث تسریع هرچه بیشتر روند ظهور تجارت مرزی در منطقه بوده است.

یافته‌های میدانی

در این قسمت، دو بعد احساس امنیت اقتصادی و اجتماعی روستائیان مرزنشین شهرستان بانه مورد بررسی قرار گرفته است. طبق آن، از افراد ساکن در روستاهای مرزی در این موارد سؤال

شده و مقایسه‌ای هم بین آن‌ها از لحاظ احساس امنیت صورت گرفته است به طوری که تأثیر آن‌ها بر همه روستاهای مورد بررسی منطقه مشخص گردد.

احساس امنیت اقتصادی

امروزه امنیت اقتصادی مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی است. بحران‌های سیاسی، جنگ‌های داخلی و بی‌توجهی صاحبان قدرت به منافع جامعه، عواملی است که از هر لحاظ ضریب شکنندگی امنیت را برای سرمایه‌ها و نیروی انسانی کارآمد، افزون‌تر می‌سازد. اصولاً نظام‌های اقتصادی در هر کشور تنها در سایه امنیت اقتصادی تحقق می‌یابد.

در مناطق مرزی، فقر و فشارهای اقتصادی در زندگی مردم عاملی است که مردم را به گرایش به تجارت مرزی وادار کرده است و برای آنان این تجارت چه به شیوه رسمی و چه غیررسمی‌اش به عنوان یک نوع شیوه معیشتی و منبع درآمد مردم منطقه عمل نموده است. اهمیت این بعد و ظهور تجارت مرزی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان نشان داد: در سطح خرد مجموعه کالاها و نیازهای معیشتی و ضروری زندگی مردم زمینه‌ساز و محرک آن‌ها جهت برقراری مبادله میان مرزی برای رفع این مایحتاج‌ها بوده است. در سطح کلان نیز مجموعه تصمیم‌گیری‌ها و حساب‌گری‌های سیاسی و اقتصادی‌ای مطرح می‌گردد که دولت‌ها بنابر منافع و مصالح ملی، در قالب سیاست‌گذاری‌های خاص آن‌ها را دنبال نموده و به مهیا نمودن بسترهای ظهور تجارت مرزی و سامان‌مند کردن نوع، میزان و حجم مبادلات به گونه‌ای قانونی و انجام تدابیر اجرایی و حفاظتی، به این پدیده در منطقه کمک نموده است.

احساس امنیت اقتصادی مرزنشینان شهرستان بانه در زمینه شغلی، مالی و سرمایه‌گذاری همچنین تجارت غیرقانونی در منطقه مرزی مورد بررسی قرار گرفته است که تشریح آن به صورت زیر می‌باشد.

احساس امنیت شغلی در منطقه مرزی

یکی از اهداف ایجاد و گسترش بازارچه‌های مرزی، ایجاد شغل به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای افراد بیکار است که در منطقه محروم مرزی سکونت دارند. افراد ساکن در مناطق مرزی به دلیل وضعیت تحصیلی پایین، بیکاری و عدم دسترسی به خدمات صنعتی کافی در منطقه، ممکن است به فعالیت‌های خلاف از جمله قاچاق، شرارت و ... مشغول شوند. مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی در منطقه مورد بررسی حاکی از آن است که ایجاد بازارچه‌های مرزی در شهرستان بانه تأثیر مثبتی بر ایجاد اشتغال به صورت مستقیم و غیر مستقیم داشته است. به دنبال گسترش و توسعه فعالیت‌های بازرگانی در مرز سیران‌بند، روند تجارت و بازرگانی کم‌کم در این ناحیه شکل گرفت. در چند سال اخیر و با شروع جنگ میان آمریکا و عراق، شهرهای مرزی از جمله بانه از نظر اقتصادی با تغییر و تحولاتی مواجه شد.

قبل از شروع جنگ، بازارچه‌های مرزی از جمله سیران‌بند و فعالیت‌های اقتصادی آن از چندان رونقی برخوردار نبود اما با تغییر نظام سیاسی عراق و کمبود خدمات و نیازهای اولیه جمعیت و شروع برنامه‌های عمرانی جدید در آن سوی مرز، صادرات کالاهای خوراکی و مصالح ساختمانی و زیرساختی به طور چشم‌گیری افزایش یافت. به طوری که «حسن» یکی از مرزنشینان ساکن در روستای کیله عباس‌آباد در این زمینه چنین می‌گوید:

«تا قبل از ایجاد این بازارچه و تشکیل گمرک در این منطقه، تجارت به صورت آن‌چنانی نبود و رفت و آمد مردم هم به آن سوی مرز محدود و اکثر اوقات به صورت قاچاق بود اما با پایان یافتن جنگ در عراق و بازتر شدن مرز، این روابط خیلی بیشتر شد چون با آرام شدن اوضاع در آن‌جا، افراد هر دو طرف مرز از نظر اقتصادی و اجتماعی به هم وابسته شدند».

در طی رونق گرفتن تجارت در این منطقه اگرچه بیشترین سود فعالیت‌های اقتصادی در مرز، برای سرمایه‌داران می‌باشد اما نقطه مثبت آن، تحت پوشش قرار دادن افراد ساکن در آن منطقه می‌باشد که در توسعه اقتصادی- اجتماعی مردم منطقه نقش به سزایی را ایفا کرد. هم‌اکنون نیز روند تجارت و بازرگانی بین دو کشور در حال گسترش بوده و بر اساس نیاز روز به صادرات و واردات می‌پردازند. هر چند شایان ذکر است که در طی تحولات اقتصادی اخیر، جنبه صادرات نسبت به واردات در این منطقه پررنگ‌تر می‌باشد. «عبدالله» ساکن روستای نور در طی مصاحبه‌ای در این زمینه به این موارد اشاره داشتند:

«به نظر من در این بازارچه واردات کالا نسبت به سال‌های گذشته کم شده است که دلیل اصلی آن هم تحولات اقتصادی اخیر و بالا و پایین رفتن نرخ دلار در کشور می‌باشد. حتی بعضی افراد سودجو از این موقعیت نابسامان استفاده‌های زیادی کردند که امیدوارم جلوی آن‌ها گرفته شود چون به اقتصاد منطقه و کشور آسیب خواهند زد».

رشد تدریجی مرز در مراحل اولیه‌اش مبتنی بر تبادلات اندک در سطح نیازهای زیستی مردم منطقه بوده که در بطن روابط خویشاوندی مردم شکل گرفته است. به دلیل این‌که کشاورزی منطقه، سنتی بوده و همچنین از طرف دولت هم حمایت‌های مالی و تسهیلاتی چندانی در این زمینه ارائه نمی‌گردد بنابراین اهالی مرزی به پدیده تجارت مرزی به عنوان فعالیتی مازاد بر فعالیت کشاورزی و باغداری نگاه می‌کنند. این نکته نیز لازم به ذکر است که غیر از بازارچه سیران‌بند که روستائیان مرزی نزدیک به آن در آن مشغول تخلیه و بارگیری کالاها می‌باشند، نباید از تأثیر بازارچه‌های مرزی هنگ‌ژال و گله سوره هم که افراد از طریق دفترچه‌های پبله‌وری در آن مشغول به فعالیت هستند، غافل ماند. در این زمینه توجه به گفته‌های یکی از ساکنین روستای نور حائز اهمیت می‌باشد. «محمد ۵۹ ساله» می‌گوید:

«قبل از تأسیس بازارچه و سال‌های پیش از آن، صادر و وارد کردن کالا بیشتر جهت رفع نیازهای روزمره بود که آن هم به شکل سنتی صورت می‌گرفت. به صورتی که فرد یا پیاده و به

صورت کولبری این کار را انجام می‌داد. چون کشاورزی این منطقه هم در حدی نبود که تمام نیازهای ما را برآورده کند بنابراین مجبور به این کار بودیم».

همه‌ی شواهد بالا دال بر این است که در مناطق مرزی ایجاد بازارچه‌ها توانسته است باعث اشتغال‌زایی چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم گردد. ساکنین روستاهای مرزی منطقه که سالیان متمادی به کشاورزی سنتی مشغول بودند، با افتتاح بازارچه سیران‌بند و سایر بازارچه‌های موقت با فرصت‌های شغلی جدیدی همچون دست‌فروشی، رانندگی، مهمان‌داری، کارگری، تجارت و پیله‌وری، نمایندگی شرکت‌های بیمه‌ای، شرکت حمل و نقل کالا و مسافربری مواجه شده‌اند که این امر از مهاجرت آنان به شهرها جلوگیری کرده و باعث افزایش درآمد و رفاه آنان گشته است.

«کریم ۴۲ ساله» ساکن روستای کیله عباس‌آباد در زمینه احساس امنیت شغلی در این منطقه به نکات زیر اشاره کردند:

«ما کشاورزی خوبی در منطقه نداریم، اگر این بازارچه‌ها و فعالیت مردم در آن نبود مجبور به مهاجرت به شهرهایی بزرگ از قبیل تهران و اصفهان و ... جهت نان درآوردن و خرج و مخارج خانواده می‌بودیم. خدا را شکر وجود این بازارچه‌ها تا حدودی توانسته به تغییر درآمد در منطقه ما کمک کند اگرچه سود حاصل از آن نیز بیشتر نصیب تاجران بزرگ و پولداران می‌گردد اما باز از این که ما هم بیکار نیستیم جای قدردانی می‌باشد».

نکته لازم به ذکر این است که بازارچه‌های مرزی بر تمام روستاهای مرزی تأثیر یکسانی نداشته است. به طوری که در روستاهای کانی‌سور و بوالحسن مورد بررسی و مشاهده واقع گردید. مصاحبه‌ای که با «روحانی» روستای کانی‌سور انجام گرفت، به این مطالب اشاره داشتند:

«در این روستای بزرگ با وجود جمعیت زیاد آن و حتی شهر محسوب شدن آن، با امکانات محدود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبرو هستیم. بازارچه مرزی سیران‌بند نفعی آن‌چنانی برای ساکنان این روستا نداشته، به طوری که تعداد کمی از افراد به کار در آن و بازارچه‌های دیگر مشغول می‌باشند که اکثر آنان هم کارشان کارگری می‌باشد و بقیه افراد ساکن در حد رفع نیازهای معیشتی خود مشغول کشاورزی و باغداری می‌باشند بنابراین با وجود مرزنشین بودن ما در این منطقه اما مزایای بازارچه‌ها به ما نمی‌رسد. به دلیل همین نداشتن درآمد و بیکاری افراد در این منطقه، بعضی از افراد از سر ناچاری بعضی اوقات به قاچاق کالا از مرزهای غیر رسمی می‌پردازند اما باید گفت که گرایش مردم به این کار خیلی بالا نمی‌باشد زیرا به نظرم مردم فکر می‌کنند که به ریسک و خطراتش نمی‌ارزد. بنابراین اگر مانند بعضی روستاهای دیگر از بازارچه‌های مرزی و مزایای آن بهره‌مند شویم و برای مردم کارت بازرگانی و پیله‌وری صادر گردد، هیچ موقع به قاچاق روی نخواهند آورد».

«عباس» که در قهوه‌خانه کانی‌سور کار می‌کرد در زمینه شغل و کاسبی مردم در روستای خود به مطالب زیر اشاره داشتند:

«در این روستا بیکاری زیاد می‌باشد، اکثر جوانان این روستا جهت کار به شهر بانه یا شهرهای بزرگی مانند تهران و اصفهان می‌روند. روستاهایی که به بازارچه‌های مرزی دسترسی دارند از وضعیت بهتری برخوردارند چون دارای کارت بازرگانی و پیلهوری می‌باشند. در روستای ما بیشتر مردم به باغداری مشغول هستند که درآمد آن هم در حد بخور و نمیر می‌باشد».

با توجه به مطالب فوق، باید اذعان داشت که اکثر افراد روستاهای نور و کیله عباس‌آباد که نزدیک به بازارچه‌های مرزی می‌باشند، معتقدند که بازارچه‌های مذکور در افزایش اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در منطقه تأثیرگذار بوده است و مردم مرزنشین این روستاها نسبت به روستاهای دورتر از بازارچه از احساس امنیت اقتصادی بالاتری برخوردارند.

می‌توان گفت که پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد ارتباط مستقیمی با احساس امنیت دارد. عضویت افراد در قشرها و طبقات اجتماعی مختلف، باعث رشد بعضی از الگوهای رفتاری می‌شود. عوامل تشکیل دهنده طبقه اجتماعی فرد در تعیین پایگاه اجتماعی فرد، نقشی که ایفا می‌کند، وظایفی که بر عهده دارد و امتیازاتی که از آن برخوردار است، مؤثر است. این عوامل، در برداشت فرد از خود و اعضای طبقات دیگر و نحوه تعامل با آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بر اساس نظریه فشار اجتماعی که رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهایی می‌داند که بعضی از مردم را وادار به جبروی و بروز ناامنی می‌کند، تأثیر شرایط محیطی بر روی ابعاد امنیت اجتماعی یعنی امنیت جانی و مالی و غیره یکسان نیست. اعتقاد بر این است که عوامل و ویژگی‌های فردی به خصوص طبقه اجتماعی تعیین کننده میزان احساس امنیت افراد می‌باشد. هر چه فرد از لحاظ عوامل اقتصادی و رفاهی در وضعیت مناسبی قرار داشته باشد، میزان احساس امنیت این افراد نیز بالاتر رفته و هر چه فرد به لحاظ اقتصادی و نیازهای کمی و کیفی زندگی‌اش ناتوان باشد و احساس آسیب‌پذیری بیشتری را احساس کند، فرد به لحاظ داشتن احساس امنیت در سطح پایین‌تری قرار دارد (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۹۳-۹۱).

تجارت غیرقانونی در منطقه

با استناد به ماده ۱۱۳ قانون امور گمرکی، ورود غیر مجاز کالای خارجی بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی، قاچاق گفته می‌شود. قاچاق کالا دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود ولی در کل همه آن‌ها دو خصیصه مشترک دارند:

الف) بدون مجوز یعنی خلاف مقررات و قوانین هستند.

ب) افراد با انگیزه‌ی کسب سود بیشتر از فعالیت‌های رسمی اقدام به این گونه فعالیت‌ها می‌کنند (شکیبایی و احمدی، ۱۳۷۸: ۱۶۸).

در حال حاضر قاچاق کالا یکی از معضلات اقتصادی کشور بوده که مورد بحث و مناقشه مسئولان قرار گرفته است. پدیده قاچاق در مناطق مرزی به صورت طبیعی و در شرایط غیرعادی

اقتصادی، اغلب شامل کالاهای نامشروع و کالاهای مشروع، ولی ممنوع است. قاچاق کالا در شهرستان بانه نیز زاده‌ی عواملی از جمله کاهش قدرت خرید متقاضیان، بالا بودن قیمت واردات کالا، عدم کنترل و انسداد مرزها، وضعیت بد مردم مرزنشین و بیکاری می‌باشد و در شرایط عادی حاصل عمل سودجویان و طمع بیشتر آنها می‌باشد. البته در حالت دوم میزان قاچاق کالا محدود و در سطح معینی می‌باشد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد یکی از اهداف تأسیس بازارچه‌های مرزی، جلوگیری از رواج بازارهای غیررسمی از جمله قاچاق کالا و ایجاد اشتغال در مناطق مرزی می‌باشد و لیکن واقعیت نشان می‌دهد که ورود کالای غیرقانونی از طریق معبرهای مختلف مرزی همچنان ادامه دارد. در برهه‌هایی از روند توسعه تجاری کشور که بسیاری از اقلام قابل ورود نبودند، بازارچه‌ها به واسطه گستردگی اقلام وارداتی، علی‌رغم همه‌ی مشکلاتشان معبرهای خوبی برای واردات کالا بودند و حتی به گفته پاره‌ای از فعالین در بازارچه‌ها، همواره ورود کالاهای قانونی و بدون ریسک‌پذیری، برتری بیشتری دارد و لیکن به دلیل افزایش تعرفه‌ها و کاهش توان خرید مردم و افزایش تقاضای خرید کالای مرغوب و ارزان‌تر، کم‌کم واردات کالا از بازارچه‌ها، به ویژه کالاهای مصرفی و خانگی جای خود را به معبرهایی دادند که مجاری ورودی آنها به واسطه نزدیکی با مسیرهای عبور کالاهای بازارچه‌ای این‌طور استنباط می‌کردند که مناطق مرزی و بازارچه‌های مرزی یکی از مکان‌های ورود قاچاق کالا بوده‌اند (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۸۹).

در منطقه مورد بررسی در تحقیق حاضر، این نتیجه به دست آمده که روستاهای دور از بازارچه‌های مرزی به دلیل وجود پدیده بیکاری و نداشتن امنیت شغلی و همچنین عدم برخورداری از زمین‌های مناسب جهت کشاورزی، مردم جهت امرار معاش خود از سر ناچاری روی به قاچاق کالا می‌آورند. بیکاری یکی از دلایل اصلی گرایش مردم به قاچاق کالا در نوار مرزی می‌باشد. این عامل خود ماحصل رابطه یک مجموعه چند علیتی می‌باشد که می‌توان موارد زیر را بیان کرد: شرایط جغرافیایی منطقه که باعث کشاورزی ناکارآمد می‌گردد، شیوه‌های سنتی تولید در منطقه به خاطر عدم حمایت‌های مالی و تسهیلاتی از طرف دولت و سایر نهادها می‌باشد. به نظر می‌رسد که حل مشکل بیکاری و ایجاد گزینه‌های دیگر برای امرار معاش مردم در این روستاهای مرزی بر احساس امنیت اقتصادی آنان در حد زیادی تاثیرگذار خواهد بود و از روی آوردن آنان به پدیده قاچاق کالا جلوگیری خواهد کرد. اما روستاهایی که نزدیک به بازارچه سیران‌بند، هنگه ژال و گله سوره هستند اذعان می‌کنند که بعد از تأسیس بازارچه، قاچاق کالا به طور چشم‌گیری کاهش یافته و مردم با وجود داشتن کارت پیمانه‌وری و بازرگانی در این منطقه از احساس امنیت شغلی بیشتری برخوردارند.

«محمد ۳۴ ساله» ساکن روستای بوالحسن در زمینه قاچاق کالا می‌گوید:

«شغلی در این منطقه نیست که ما را از قاچاق کالا روی گردان کند، کشاورزی خوبی هم نداریم، درآمد این کار از شغل کارگری به صرفه‌تر می‌باشد اما خودم زیاد تمایل به انجام آن ندارم ولی از سر ناچاریه دیگه چکار کنیم؟ خود من راضی‌ام اگر شغل خوبی پیدا کنم از کار کردن در این زمینه دست بکشم. روستاهای نزدیک به بازارچه رسمی از ما وضع اقتصادی‌شون بهتره چون بدون ترس اقدام به صادر و وارد کردن کالا از طریق گمرک می‌کنند».

مدیر مدرسه روستای بوالحسن آقای «صالح‌پور» در زمینه تجارت غیرقانونی در منطقه می‌گوید:

«دیدم منفی نسبت به تجارت مرزی از طریق مرزهای غیررسمی دارم و به نظرم شغلی کاذب می‌باشد چون افراد ساکن در این منطقه با انجام این کار در منطقه همیشه با خطر جانی و مالی روبرو بوده‌اند و هستند و اثرات منفی زیادی برای این مناطق داشته است از جمله ترک تحصیل فرزندان در مقاطع پایین تحصیلی».

«احمد ۴۱ ساله» ساکن روستای ننور در زمینه کاهش قاچاق می‌گوید:

«از وقتی که گمرک در این ناحیه مستقر گردیده است و فعالیت‌های اقتصادی مردم را زیر نظر گرفته است، عمل قاچاق کالا خیلی کاهش یافته است».

در زمینه قاچاق کالا در منطقه مرزی بانه، آماری از اداره گمرک شهرستان بانه تهیه گردیده است که به صورت زیر نوسانات این پدیده را در منطقه بیان می‌کند: از اول سال ۱۳۸۳ تاکنون تعداد ۷۴۴۰ فقره پرونده قاچاق تشکیل شده است. تا سال‌های ۸۶ هر سال حدود ۱۳۰۰ پرونده در کالا قاچاق و گمرک بانه ثبت شده است اما بعد از آن، سال ۸۷، ۶۰۰ پرونده، سال ۸۸، ۴۰۰ پرونده، سال ۸۹ و ۹۰، هر کدام ۳۵۰ و سال ۹۱، به ۳۲۰ پرونده رسیده است که این ارقام نشان از کاهش تعداد پرونده‌ها می‌باشد. ۰/۹۹ از پرونده‌ها، قاچاق کالاهای خارجی بوده‌اند. اقلام کالاهای قاچاق شامل موارد زیر بوده‌اند: کفش، تلویزیون‌های LCD و LED، پوشاک مردانه و زنانه، کولر گازی، چای و لوازم آرایشی - بهداشتی (مصاحبه با کارمندان گمرک بانه). جدول (۲)، تعداد پرونده‌های قاچاق کالا را به تفکیک سال‌های آن نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲: آمار پرونده‌های قاچاق کالا در شهرستان بانه

موارد	سال‌های ۸۳ تا ۸۶	سال ۸۷	سال ۸۸	سال ۸۹ و ۹۰	سال ۹۱
تعداد پرونده‌های قاچاق	حدود ۱۳۰۰ فقره	۶۰۰ فقره	۴۰۰ فقره	حدود ۳۵۰ فقره	۳۲۰ فقره

منبع: اداره گمرک شهرستان بانه

احساس امنیت مالی و سرمایه‌گذاری مرزنشینان در منطقه مرزی

بر اساس بررسی و مشاهدات میدانی در مورد تأثیر بازارچه‌های مرزی بر امنیت مالی در روستاهای نزدیک و دور از بازارچه تفاوتی مشاهده نشد. در زمینه امنیت مالی که به عنوان یکی

از متغیرهای حوزه اقتصادی مطرح می‌باشد، می‌توان گفت که هیچ یک از افراد مصاحبه‌شونده در معرض موقعیت و شرایطی که امنیت آن‌ها از نظر مالی مورد تهدید قرار گیرد، قرار نگرفته بودند اما عده‌ای از آن‌ها از طریق آشنایان و دوستان به این قضیه آگاهی یافته بودند که شرایط ترس‌آوری برای عده‌ای به وجود آمده است. اکثر افراد، اذعان کردند که در منطقه مرزی حادثه‌ای برای آن‌ها پیش نیامده که دارایی آن‌ها به سرقت رود.

«محسن» اهل روستای کیله عباس آباد می‌گوید:

«تا حالا پیش نیامده که در روستا دزدی به خانه آمده باشد و اسباب و اثاثیه خانه را به سرقت برده باشد. اما فکر کنم محیط شهری نسبت به مناطق روستایی ناامن‌تر است».

«روحانی» (ماموستا) در روستای کانی‌سور می‌گوید:

«خدا را شکر در روستای ما با وجود تعداد جمعیت زیاد و گسترش بیکاری، اما تا حالا خیلی کم اتفاق افتاده که دزدی در روستا صورت گیرد و افراد این روستا همه نسبت به هم احساس تعلق و همبستگی دارند».

مورد دیگری از احساس امنیت مالی، احساس امنیت سرمایه‌گذاری در منطقه می‌باشد. وضعیت امنیت سرمایه‌گذاری در منطقه معمولاً با احداث مراکز تجاری و کارخانه و تأسیسات فهمیده می‌شود. اکثر افراد ساکن در منطقه مرزی خصوصاً روستاهای نزدیک به بازارچه در مورد سپردن سرمایه به فرد دیگری جهت سرمایه‌گذاری در منطقه، پذیرفتن چک در معاملات با افراد غریبه و خارج از محیط روستا و داشتن ترس از کلاهبرداری توسط افراد ناشناس احساس ناامنی کرده‌اند. «صلاح» یکی از افراد شاغل در بازارچه سیران‌بند و ساکن در روستای نور در این زمینه می‌گوید:

«هنگام معامله با افراد ناشناس شهری از آن‌ها چک قبول نمی‌کنم چون می‌ترسم کلکی در کار باشد اما نسبت به افرادی که می‌شناسم در حد زیادی اعتماد دارم و نمی‌ترسم که باهاشون معامله کنم».

بعضی از افراد ساکن در منطقه مرزی بانه، شهر بانه را مکان مستعدی جهت سرمایه‌گذاری تلقی می‌کنند و معتقدند افرادی که توانایی مالی دارند، باید به سرمایه‌گذاری در منطقه بپردازند تا از شغل‌های کم‌درآمد و بیکاری سایر افراد دور از مرز در منطقه کاسته شود. «رحیم ۲۹ ساله» ساکن روستای کانی‌سور می‌گوید:

«خیلی از افراد ساکن در مرز، وضعیت مالی مناسبی ندارند اما کسانی هم هستند که به دلیل مشغول به تجارت مرزی توانایی مالی خوبی دارند و از افراد پول‌دار منطقه می‌باشند، آن‌ها باید به سرمایه‌گذاری بپردازند تا افراد فقیر و بیکار که درآمد ناچیزی دارند مجبور نشوند جهت پیدا کردن کار به جاهای دیگر بروند».

نتایج بدست آمده در رابطه با اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بر احساس امنیت اقتصادی بیانگر این است که بازارچه‌ها توانسته‌اند تا حدی توسعه اقتصادی نواحی روستایی را در پی داشته

باشد، طی مصاحبه‌ها و بررسی‌های صورت گرفته در منطقه مرزی بانه، باید گفت مهم‌ترین عواملی که باعث اثربخشی زیاد شده، ایجاد اشتغال و به تبع آن وضعیت درآمدی مردم است. به طوری که میزان درآمد و ایجاد اشتغال نسبت به دوره قبل از تأسیس بازارچه روند افزایشی داشته است. در طی مصاحبه با افراد ساکن در مرز و متأثر از بازارچه‌ها، در بعد اقتصادی امنیت، مؤلفه‌ها و مقوله‌های زیر به ترتیبی که در جدول پایین آمده است، استخراج شده است.

جدول شماره ۳: مؤلفه‌ها و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها در بعد اقتصادی احساس امنیت

مؤلفه	مقوله‌ها	بعد
احساس امنیت شغلی	ظهور پدیده تجارت مرزی به عنوان فعالیتی مازاد بر فعالیت کشاورزی و باغداری در منطقه- ایجاد مشاغل مستقیم و غیرمستقیم از قبیل رانندگی و ...	اقتصادی
تجارت غیرقانونی در منطقه مرزی	کاهش قاچاق- ورود و خروج کالا با پرداخت عوارض و حق گمرک	
احساس امنیت مالی	مورد تهدید قرار نگرفتن مردم از نظر مالی- احساس امنیت در سرمایه‌گذاری در منطقه مرزی- اعتماد در معاملات	

منبع: یافته‌های تحقیق

احساس امنیت اجتماعی

علی‌رغم این که یکی از دلایل ضمنی در ایجاد بازارچه‌های مرزی، افزایش ضریب امنیت و اطمینان در مناطق مرزی از طریق توسعه تجارت و بالتبع توسعه این مناطق می‌باشد. بازارچه‌ها هر چند توانسته‌اند حداقل امنیت نسبی را از لحاظ اقتصادی در منطقه ایجاد کنند و تا حدی سرمایه‌گذاری اقتصادی در منطقه نسبت به قبل از تأسیس آن افزایش یابد اما متأسفانه ایجاد و رونق بازارچه‌ها نتوانسته‌اند به شاخص‌های امنیت اجتماعی در منطقه کمک شایانی بکنند.

بر اساس نظریه توسعه امنیت، انتظار بر این است که هرگاه در منطقه‌ای طرح‌های توسعه فیزیکی مانند احداث تأسیسات تولیدی صنعتی، کشاورزی، تجاری و خدماتی به اجرا گذاشته شود، شاخص توسعه غیرفیزیکی همچون سواد، هم‌گرایی اجتماعی- فرهنگی، هم‌گرایی با دولت مرکزی و نیز شاخص‌های دیگری چون بزهکاری و عبور غیرقانونی از مرز و آنچه به طور عمومی نامی خوانده می‌شود را تحت تأثیر قرار دهد اما مشاهدات میدانی نشان داد که عملکرد بازارچه هر چند از جهت تجاری در منطقه، پیشرفت داشته است اما از لحاظ توسعه فیزیکی مانند کارخانجات و ... ضعیف بوده است. اگر سرمایه و سود حاصل از بازارچه مرزی در خود منطقه

مرزی سرمایه‌گذاری شود از فعالیت‌های کاذب قاچاق و بیکاری افراد منطقه کاسته می‌شود و به دنبال آن توسعه در منطقه صورت می‌گیرد (مشاهدات میدانی).

در این بعد از احساس امنیت، مقوله‌هایی نظیر احساس ناامنی در مورد قاچاقچیان در منطقه، ناآرامی‌های منطقه، کاهش جرایم، امنیت تحصیلی مردم منطقه و احساس امنیت در ارتباطات با افراد آن‌سوی مرز مورد مطالعه قرار گرفته است که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته شده است.

جدول شماره ۴: مؤلفه‌ها و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها در بعد احساس امنیت اجتماعی

بعد	مؤلفه	مقوله‌ها
اقتصادی	احساس امنیت شغلی	ظهور پدیده تجارت مرزی به عنوان فعالیتی مازاد بر فعالیت کشاورزی و باغداری در منطقه- ایجاد مشاغل مستقیم و غیرمستقیم از قبیل رانندگی و ...
	تجارت غیرقانونی در منطقه مرزی	کاهش قاچاق- ورود و خروج کالا با پرداخت عوارض و حق گمرک
	احساس امنیت مالی	مورد تهدید قرار نگرفتن مردم از نظر مالی- احساس امنیت در سرمایه‌گذاری در منطقه مرزی- اعتماد در معاملات

منبع: یافته‌های تحقیق

کاهش ناامنی توسط قاچاقچیان در منطقه مرزی

قاچاقچیان در اکثر شهرهای استان سکونت داشته و به قاچاق کالا مشغول می‌باشند. پارچه، وسایل الکترونیکی و وسایل آرایشی و بهداشتی و ... عمده‌ترین کالاهایی هستند که توسط این دسته از افراد از مرز به داخل شهر آورده می‌شود و از آنجا به سایر مناطق پخش می‌شود.

بر اساس گزارشات نیروی انتظامی، تأسیس بازارچه‌های مرزی، از جمله سیران‌بند، تأثیر شگرفی بر افزایش امنیت منطقه داشته است. به طوری که منطقه مرزی با کم شدن قاچاقچیان که امنیت مردم را به خطر می‌انداختند، روبرو گردیده است (مصاحبه با کارکنان نیروی انتظامی شهرستان بانه). علاوه بر این، قاچاق کالا همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، بنا به گفته خود شاغلین و مرزنشینان در منطقه کاهش یافته است. به طوری که یکی از ساکنان روستای نور می‌گوید:

«با ایجاد بازارچه سیران‌بند در این منطقه، از میزان ورود و خروج قاچاق کالا خیلی کاسته شده اما این امر هم خود منجر به ظهور پیامد دیگری از جمله بیکاری بعضی از مردم روستا شده است که قبلاً مشغول کارگری و کولبری در نقاط مرزی بودند. چون اکثر مردم روستاهای ساکن در نقاط مرزی دارای توانایی مالی زیادی نمی‌باشند، بنابراین بیشتر به کارهای ساده و در حد کارگری مشغول بودند. الان این مرزهای غیررسمی تا حد زیادی بسته شده‌اند و اکثریت آن‌ها از مزایای بازارچه رسمی استفاده نمی‌کنند و بیشترین نفع آن نصیب شهرنشین‌ها می‌-

گردد. پیشنهادم این است که زمینه‌های شغلی بیشتری جهت به کارگیری نیروی کار روستایی در این مناطق فراهم گردد زیرا ما دارای کشاورزی و باغداری آن‌چنانی‌ای هم نیستیم» (سلیمان، ۳۸ ساله).

قبل از ساماندهی و کنترل مرز در بانه، به لحاظ گسترش قاچاق کالا و سوخت و درآمدهای هنگفت آن، تعداد بسیاری از اهالی شهرستان بانه، شهرهای نزدیک و مرزنشین‌ها به این امر رو آورده و امور مشروع از قبیل کشاورزی، دامداری و غیره با رکود مواجه بود ولی با ساماندهی و کنترل مرز و جلوگیری از خروج سوخت و کالای قاچاق، کشاورزی از سر گرفته شده و تردهای بی مورد و سرسام‌آور قاچاقچیان کالا و سوخت در جاده‌ها به شدت کاهش یافته و جمع‌گیری از قاچاقچیان دیگر شهرها که برای قاچاق سوخت و کالا به بانه مهاجرت کرده بودند، به شهرهای خود برگشته‌اند و از سویی تردهای غیرمجاز مرزنشینان که بدون در نظر گرفتن جوانب قانونی ورود به کشور مقابل، اقدام به خروج از مرز می‌کردند و با مشکلاتی نظیر گرفتار شدن در دست اشرار و زندانی شدن به دلیل تجاوز مرزی و ... روبرو می‌شدند، با ایجاد بازارچه‌هایی از قبیل سیران‌بند و ...، کنترل مرزها و توسعه سطح دانش مرزی مرزنشینان، این معضل به پایان رسیده است.

ارتباطات با افراد آن‌سوی مرز

جنبه مهم دیگر، ارتباطات و تعاملات افراد با مردم آن‌سوی مرز می‌باشد. تمام روستاهای نوار مرزی هر دو طرف هم زبان و هم کیش‌اند و دارای مسافت خیلی نزدیک به هم هستند. از آن‌جا که شغل و منبع اصلی معیشت مردم هر دو طرف مرز از دیر باز کشاورزی و دامداری بوده پس دارای ارتباطات تنگاتنگ کاری و تجاری هم بوده‌اند. «حسین» می‌گوید:

«در گذشته بعضی روستاهای هر دو طرف مرز دارای زمین‌های زراعی مشترک بودند و آن‌ها در مواقع کار کشاورزی بیشتر روزها با هم بودند که در این مدت از مایحتاج‌های خود بحث می‌کردند که این خود مقدمه‌ای برای شکل‌گرفتن تجارت مرزی در منطقه گردید». بنابراین قرابت خویشاوندی و بین‌فرهنگی به عنوان عاملی مهم در بین مردم دو طرف مرز تلقی می‌گردد. به دلیل نزدیکی جغرافیایی سکونت، فرهنگی، زبانی، مذهبی و قومیتی و همچنین قرابت‌های شغلی و معیشتی، مردم روستاهای اطراف به برقراری روابط خویشاوندی و ازدواج اقدام نموده و با شکل‌گیری شبکه‌های خویشاوندی گسترده در منطقه، به تدریج در هنگام کمبود کالاها و محصولات مورد نیاز، روابط اقتصادی بین‌مرزی میان خانواده‌ها افزایش یافته است. علاوه بر بعد اقتصادی روابط، روابط عاطفی و فامیلی تنگاتنگی میان مردم دو طرف مرز به مرور زمان شکل گرفته است».

«محمود» این مسئله را این‌گونه بیان می‌کند:

«اکثر افراد دو طرف مرز قوم و فامیل همدیگرند و حتی اگر کنترلی هم وجود نداشته باشد مردم ارتباطشان را قطع نخواهند کرد پس بهتر است که این رفت و آمد به صورت رسمی انجام گیرد».

این روابط پدیده‌ای نوظهور نیست که با وجود مرز رسمی شکل گرفته باشد بلکه از قدیم وجود داشته از جمله در زمان جنگ‌های داخلی عراق، انفال کردهای عراق و آواره شدن کردها در زمان جنگ ایران و عراق همیشه بازتولید شده است. امروزه این ارتباط با ورود تکنولوژی‌های مدرن ارتباطی از قبیل تلفن و ... بیشتر گشته و به نوعی امکان خبررسانی و دید و بازدید را میان مردم دو طرف مرز بیشتر کرده است.

مسئله مهم در مورد اشتراک مذهبی، قومی و فرهنگی بین ساکنین دو سوی مرز که تأثیر مستقیمی بر امنیت مرز دارد، میزان همگرایی یا واگرایی قومی- فرهنگی این گروه‌های اجتماعی مرزنشین با حکومت مرکزی است. به عبارت دیگر اگر این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی همگرایی داشته باشند، مسأله تأمین امنیت مرز و توسعه مناطق مرزی با مشکل کمتری مواجه است. اما هرگاه به دلایل متعدد این گروه‌ها نسبت به حکومت مرکزی واگرایی داشته و نسبت به گروه‌های اجتماعی آن‌سوی مرز همگرایی داشته باشند، مسأله تأمین امنیت مرز با مشکل جدی مواجه می‌شود. به ویژه اگر مرزنشینان دو سوی مرز از یک قوم و طایفه بوده و خویشاوندی بین آنان وجود داشته باشد، رفت و آمدهای غیرقانونی رواج خواهد داشت، مخصوصاً اگر مرز مشترک در منطقه خشکی و آبادی‌های محل سکونت مرزنشینان در دو سمت مرز یکسان باشد، علایق قوی‌تری در رفت و آمد بین دو طرف و عبور غیرقانونی از مرز به وجود خواهد آورد که تأثیر مستقیمی بر امنیت مرزها خواهد داشت (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۶۸). بر اساس یافته‌ها، در این بعد از احساس امنیت، مقوله‌هایی که در جدول زیر آمده، استخراج گردیده است.

جدول شماره ۵: مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها در بعد اجتماعی احساس امنیت

مقوله‌ها	مؤلفه	بعد
کاهش قاچاق کالا و سوخت- از سرگیری کشاورزی توسط مرزنشینان	نامنی و ناآرامی توسط اشرار و قاچاقچیان و امنیت جانی افراد	اجتماعی
تجاری، قومی- فرهنگی و اجتماعی	ارتباطات با آن‌سوی مرز	
کاهش علاقه به ادامه تحصیل در میان نوجوانان و جوانان	آموزش و تحصیلات	

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری

دولت‌ها به ویژه آن‌هایی که دارای سرزمین گسترده و تنوع جغرافیایی و فضایی وسیع بوده و از سویی دارای تعدد و تنوع همسایگان به همراه ویژگی‌های خاص می‌باشند، به طور طبیعی در هر

فضایی از مناطق مرزی دارای تنوع خاصی از رفتار می‌باشند. ایران که در عمل به تفکیک توسعه و امنیت از یکدیگر قایل بوده ولی گاهی به صورت موردی به توسعه در ایجاد امنیت توجه نموده است از جمله چنین کشورهایی است که با توجه به سیاست‌ها و رفتارهای کشور مقابل، تصمیماتی را در جهت مناطق مرزی خود اتخاذ نموده است.

در این پژوهش، به بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر احساس امنیت روستائیان مرزنشین در شهرستان بانه واقع در استان کردستان پرداخته شد. این بررسی نشان داد که مبادلات مرزی و تجارت مرزی نقش پراهمیتی در بهبود وضعیت زندگی ساکنان مرزی داشته است و می‌تواند باعث بهبود زندگی مردم چه به لحاظ اقتصادی و چه اجتماعی در منطقه گردد و تأمین رفاه مردم به لحاظ مادی تا حد زیادی می‌تواند بر حفظ امنیت اجتماعی و مردم تأثیرگذار باشد. برخی از یافته‌ها به ترتیب زیر می‌باشد:

- از نظر شغلی، بیشتر مصاحبه شونده‌گانی که در نزدیکی بازارچه مرزی سکونت داشتند، از شغل فعلی خود قبل از ایجاد بازارچه ابراز رضایت کردند.
- بیشتر این افراد میزان درآمد خود را در قبل تأسیس بازارچه، نامناسب اظهار کردند ولی اذعان داشتند که درآمد آن‌ها بعد از ایجاد بازارچه‌ها افزایش یافته است.
- احساس امنیت مالی و سرمایه‌گذاری نسبت به دوره قبل از تأسیس بازارچه افزایش داشته است و همچنین احداث بازارچه در کاهش ناآرامی‌های منطقه و کاهش ناامنی داخل روستاها و مناطق مرزی تأثیر مثبتی گذاشته است.
- بازارچه مرزی توانسته با کارکردهای خود باعث اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در منطقه گردد. مشاغلی مانند حمل و نقل بار و مسافر، ایجاد مغازه و ... در منطقه ایجاد شده که خود تغییرات مثبتی را به همراه داشته است.
- از نظر سرمایه‌گذاری و گرایش به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری با افراد آن‌سوی مرز، شاهد روند رو به افزایشی بوده‌ایم اما سرمایه‌گذاری تولیدی در منطقه صورت نگرفته است که این خود یکی از نقاط ضعف ایجاد بازارچه می‌باشد.
- اکثر مصاحبه شونده‌گان به این نکته اشاره کرده‌اند که ایجاد بازارچه منجر به کاهش ورود و خروج کالاهای قاچاق در منطقه شده است. زیرا با ایجاد این بازارچه، گمرک و نیروی انتظامی با همکاری هنگ مرزی و فرمانداری شهرستان، بر ورود و خروج کالاها نظارت مستقیم دارند. بنابراین، از تعداد قاچاقچیان و افرادی که امنیت مردم را تا حدودی به خطر می‌اندازند، کاسته شده است.

علاوه بر این، باید گفت هر چند بازارچه‌های سیرابند و هنگ‌ژال و گله سوره تا حدودی رفاه نسبی را برای بعضی از ساکنان روستاهای مرزی به همراه آورده است اما بررسی‌ها نشان داده که بازارچه‌های مرزی از اهداف اولیه خود تا حدودی فاصله گرفته‌اند. در اهداف اولیه شکل‌گیری مبادلات مرزی، توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی سالم، سرآمد این تصمیمات بوده اما باید گفت منفعت اصلی حاصل از وجود این بازارچه‌ها بیشتر نصیب سرمایه‌داران و تاجران شهری و غیر ساکن در نقاط روستایی مرزی می‌گردد. تا کنون فقط روستاهای محدودی که نام آن‌ها در بخش قبلی ذکر گردید، از این بازارچه‌ها استفاده می‌کنند. هر چند که مردم روستاهای استفاده‌کننده از مزایای این بازارچه، فعالیت آن را مفید ارزیابی می‌کنند. در هر حال، نتایج پژوهش بر آن اصرار دارد که علی‌رغم حیاتی بودن تأسیس این بازارچه‌ها و آثار اقتصادی، امنیتی و رفاهی آن، به دلیل برخی از مشکلات از رسالت خود دور شده‌اند اما علارغم تمام مشکلات، به نظر می‌رسد که توجه امنیتی (اقتصادی - اجتماعی) دارند منتها نیاز به بازنگری در اهداف خود دارند. در پایان این‌که مناطق مرزی دورترین مناطق پیرامونی از مرکز می‌باشند، به همین دلیل عقب‌مانده‌ترین و محروم‌ترین این مناطق می‌باشند. توسعه مناطق مرزی در جهت آسایش و امنیت این مناطق با زیرساخت‌های لازم آن در درون یک نظام فضایی منسجم و یکپارچه طراحی شده، میسر است.

در نهایت، به نظر می‌رسد که بازارچه‌های مرزی واقع در شهرستان بانه از جمله سیران‌بند می‌توانند نقش بیشتری را در افزایش امنیت محلی و توسعه در مناطق مرزی داشته باشند. در شرایط کنونی به صورت نابرابر، فقط گروه‌های خاصی از تأثیرات اقتصادی بازارچه سود می‌برند، لذا باید زمینه افزایش مشارکت روستاها در فعالیت بازارچه‌ها را فراهم نمود و آموزش روش‌های تجارت و آشنایی با مقررات صادرات و واردات جمعیت ساکن در منطقه را از بازارچه بهره‌مند گرداند. ارایه تسهیلات ویژه به پبله‌وران روستاهای مرزی که به علت نداشتن سرمایه اولیه نمی‌توانند از مزایای بازارچه بهره‌مند شوند و تا این‌که از لحاظ اقتصادی و مالی احساس امنیت بیشتری کنند. نکته بعدی، ایجاد امکانات رفاهی و آموزشی و ارتباطی در روستاهای مرزی (از قبیل آسفالت کردن راه‌ها، ایجاد مدارس و ...) و نهایتاً این‌که توسعه و امنیت دو روی یک سکه‌اند از این رو، سرمایه‌گذاری بیشتر دولت در نقاط مرزی و ایجاد طرح‌های صنعتی بزرگ و کوچک که این خود باعث جمعیت‌پذیری بیشتر و ماندگاری جمعیت در این شهرها شده و به تبع آن، تردها، مشارکت‌ها و توجه دولت به سرمایه‌گذاری ایجاد شده بیشتر شده و حفاظت مرزی و درونی افزایش یافته و در نتیجه احساس امنیت در بین مرزنشینان بیشتر می‌گردد. لذا، توسعه اقتصادی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی و با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها بر کارکرد امنیتی مرز تاثیر مثبتی دارد. افزایش اختلاف سطح توسعه و رفاه اقتصادی همچنین تفاوت فاحش درآمد و قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز به طور قطعی تاثیر منفی بر کارکرد امنیتی خواهد داشت. زیرا وجود اختلاف فراوان

در قدرت اقتصادی در کشور که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا، خدمات و تسهیلات می‌گردد باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از توان اقتصادی ضعیف‌تری برخوردارند، اقدام به قاچاق کالا و یا تردد غیرقانونی کنند.

منابع

- افتخاری، رکن‌الدین و همکاران (۱۳۸۷). ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بازتاب‌های توسعه مناطق مرزی، مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی (استان کرمانشاه). ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۲.
- آقابابایی، حسین (۱۳۸۹). **قلمرو امنیت در حقوق کیفری**، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- آیین‌نامه اجرایی بازارچه‌های مرزی (۱۳۷۱). اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی کشور.
- باینگانی، بهمن (۱۳۹۴). **مطالعه جامعه‌شناختی تغییرات اقتصادی و پیامدهای فرهنگی در مناطق کردنشین**، پایان‌نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی نظری- فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۸). **طراحی پژوهش‌های اجتماعی**، ترجمه: محسن چاوشیان، نشر نی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، اصغر (۱۳۷۲). **تعاونی‌های مرزنشینان سیستان و بلوچستان (عملکرد اقتصادی- اجتماعی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- پیربوداقی، یوسف (۱۳۸۹). **بررسی عملکرد بازارچه مرزی سرو و نقش آن در رشد و توسعه اقتصاد منطقه‌ای**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). **جامعه امن در گفتمان خاتمی**، تهران: نی، چاپ اول.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۵). **اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک**، تهران: آستان قدس رضوی.
- دلاور، علی و علی محمد رضایی (۱۳۸۳). **ساخت و هنجاریابی آزمون احساس امنیت و بررسی این احساس در سطح کشور**، دفتر تحقیقات کاربردی معاونت طرح و برنامه و بودجه (چاپ نشده).
- ذکایی، محمد سعید و نوری، آرام (۱۳۹۴). **زندگی در مناطق مرزی، مطالعه پدیدار شناختی مرزنشینان شهر نوسود، جامعه پژوهی فرهنگی**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۵۱-۱۱۹.
- ذکی، پاشالو؛ یاشار، احمد (۱۳۹۳). **بررسی کاربرد بازارچه‌های مرزی آذربایجان غربی، همایش ملی مرزنشینی، توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری**، پارس‌آباد مغان.

ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵). بررسی امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران. **مجله اینترنتی فصل نو**. سال دوم.

شاکری‌نیا، ایرج (بی‌تا). امنیت روانی، مجموعه مقالات امنیت اجتماعی و راهکارهای توسعه، دفتر اجتماعی و اطلاع‌رسانی قوه قضائیه مازندران.

صادقی، علیرضا (۱۳۹۷). **زندگی روزمره تهی‌دستان شهری**، تهران: نشر آگاه.

عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران. **باغ نظر**، شماره ۱۲.

قادری حاجت، مصطفی و همکاران (۱۳۸۹). تبیین نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت و توسعه پایدار نواحی پیرامون، مطالعه موردی: بازارچه‌های مرزی استان خراسان جنوبی. **ژئوپلیتیک**؛ سال ششم، شماره ۳.

قانون مقررات صادرات و واردات، ۱۳۷۹ و ۱۳۹۰.

کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۰). **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی. تربیت معلم تهران.

کلاهیچیان، محمود (۱۳۸۲). **راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی**. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی.

گروسی، سعیده و میرزائی (۱۳۸۶). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت، **فصلنامه دانش انتظامی**، سال نهم، شماره دوم.

گل‌وردی، عیسی (۱۳۹۰). محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی- فرهنگی نواحی مرزی، **فصلنامه رفاه و سیاستگذاری**، سال دوم، شماره سوم.

محمدپور، احمد «الف» (۱۳۹۰). **روش تحقیق کیفی «ضد روش ۱» (منطق و طرح در روش شناسی کیفی)**، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.

محمدپور، احمد «ب» (۱۳۹۰). **روش تحقیق کیفی «ضد روش ۲» (مراحل و رویه‌های عملی در روش شناسی کیفی)**، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ اول.

محمودی، علی (۱۳۹۴). **ساختار مبادلاتی بازارچه‌های مرزی در بازرگانی و اقتصاد مناطق مرزنشین**، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

موسوی، میرنجف (۱۳۸۸). **تحلیل کارکرد مرز بر ساختار فضایی شهرهای مرزی استان آذربایجان غربی**، پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.

نبوی و همکاران (۱۳۸۸). بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، **فصلنامه دانش انتظامی**، سال دهم، شماره ۲.

وزارت بازرگانی (۱۳۷۹). **تحلیلی از وضعیت بازارچه‌های مشترک مرزی از آغاز فعالیت تاکنون**، معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی، دفتر پژوهش و بررسی‌های اقتصادی.

Leeboupao, Leeber, Phonesaly Souksavath, Phetsamone Sone, Souphith Darachanthara, Vanthana Norintha; (2004) **Lao PDR Cross Border Economy, Case Study In Dansavanh, Savannakhet, and Houaysai/ Tonpheung, Lao PDR**, National Economic Research Institute. 44-59

Murshid.K.a.s, Tuot, Sokphally; (2005) **the Cross Border Economy of Cambodia "Cambodia Development Resource Institute"**, Development Analysis Network with the Support of the Rockefeller Foundation Phnom Penh. 104-126

Niebuhr, Annekatri; Silvia Stiller (2008) **Integration Effects in Border Regions -A Survey of Economic Theory and Empirical Studies**, Hamburgisches Welt-Wirtschafts-Archive.

Stryjakwics, T. (2008) **The changing role of border zones in the transferring economic of East-central Europe: The case of Poland**, Geogoiurnal, Vol, 44, No. 3.

